

غزنی، بستر تمدن شرق اسلامی

مجموعه مقالات

(جلد نخست)

(به مناسبت انتخاب غزنی به عنوان

پایتخت فرهنگی جهان اسلام)

تألیف و گردآوری: د. منوچهر هاشمی تاربخ آریانا

نویسندگان

محمد فاضل کیان

شوکت علی محمدی شاری

محمد علی افتخاری آریان پور



تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه	کیا، محمد افضل، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	سرسی، ناصر تمدن شرق اسلامی: مجموعه مقالات (به مناسبت انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگ جهان اسلام) / نویسندگان محمدفاضل کیانی، شوکت علی محمدی شاری، محمدعلی اخارنویان پور؛ تهیه کننده مجمع فرهنگی علما و طلاب جاغوری.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	ج ۳.
شابک	دوره: ۳-۵-۸۴-۶۵۸۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۲۰۰۰ ریال: ج ۱: ۷-۸۰-۶۵۸۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۳۰۰۰۰۰ ریال: ج ۲: ۴-۸۱-۶۵۸۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.
یادداشت	نویسندگان جلد دوم مصطفی خرمی، عبداللیم محمدی (کاظمی)، سیدعلی نقی میرحسینی.
یادداشت	کتابنامه.
مندرجات	ج ۱. سیمای غزنی در منظومه های تاریخ آریانا. - ج ۱. عضو شوکت علی غزنین (گذری به تاریخ غزنویان و غوریان).
عنوان دیگر	مجموعه مقالات (به مناسبت انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگ جهان اسلام).
موضوع	غزنی.
شناسه افزوده	محمدی شاری، شوکت علی، ۱۳۴۸-
شناسه افزوده	اقتخاری آریانپور، محمدعلی، ۱۳۳۱-
شناسه افزوده	مجمع علماء و طلاب جاغوری (افغانستان).
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ی ۹ غ ۴ / DS ۳۷۵
رده بندی دیویی	۹۵۸/۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۵۱۴۵۱



مؤسسه انتشارات عرفان

- غزنی بستر تمدن شرق اسلامی (مجموعه مقالات؛ جلد نخست)
 - «به مناسبت انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام»
 - تهیه کننده: مجمع فرهنگی علما و طلاب طاعن
 - نویسندگان: محمدفاضل گیانی، شوکت علی، علی محمد علی افتخاری آریان پور
 - ویراستار: مؤسسه انتشارات عرفان
 - طرح جلد: باسم الرسام
 - حروفچینی و صفحه آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکانانی)
 - لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ طیف نگار
 - نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۳
 - شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 - قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان
 - نشانی: تهران، خیابان سمیه، بین چهارراه دکتر مفتاح و خیابان رامسر، پلاک ۱۸، طبقه دوم، واحد ۶
 - تلفن: ۸۸۳۰۰۲۴۵ فاکس: ۸۸۸۱۱۰۵۳
 - کابل، چوک دهبوری، چهارراه شهید، کتابفروشی مؤسسه انتشارات عرفان
 - تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷ - ۰۰۹۳
 - شابک (جلد ۱): ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۰-۸۰-۷
 - شابک (دوره): ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۰-۸۴-۵
- حق چاپ در ایران و افغانستان برای ناشر محفوظ است

ketaberfan.persianblog.ir

ketaberfan@yahoo.com

این کتاب، با حمایت مالی معاونت فرهنگی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

مقدمه

غزنی از سرپرده‌ی باستانی کشور ماست و یادگار یکی از دوره‌های درخشان - ریخی در فرهنگ و ادب است. این شهر آثار ارزشمند علمی و ادبی ما در حوزه‌ی فرهنگی غزنی پدید آمده و مفاخر بسیاری از آن سبب بر خاسته‌اند.

به دلیل همین پیشگامی غزنی و مردم آن در نشر فرهنگ و ادب اسلامی و فارسی است که سازمان علمی و فرهنگی این شهر را در سال ۲۰۱۳ به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی کرد.

اما متأسفانه غزنی با همه نام با گذشتن از رخشان خود، امروزه به صورت حزن‌انگیزی ویران و مسکوت مانده است. بر ماست که این غزنی و فرهنگ برابر اسلامی و انسانی و این فرهنگ‌پروری را دوباره زنده سازیم و سازندگی آن را در منطقه و جهان معرفی کنیم.

این ضرورت، مجمع فرهنگی علما و طلاب غزنی را آداشته است تا نوشته‌ها و مقالات تاریخی و علمی و ادبی درباره‌ی غزنی را جمع کرده و در کتاب چهارجلدی با نام «غزنی، بستر تمدن شرق اسلامی» در اختیار هموطنان و مردم جهان بگذارد.

در این کتاب از تاریخ، فرهنگ، زبان، جغرافیای تاریخی و سایر غزنی بحث شده است. نگارندگان کوشیده‌اند که چهره‌ی غزنی در مجموعه‌ی تاریخ و جغرافیای تاریخی کشور آریانا یا پارس باستان نمایانده شود تا زمینه‌ی بازنگری و شناخت تاریخ کهن و سیر تحول این فرهنگ و تمدن مساعد شود.

در این کتاب، به ویژه جلد اول آن، در کنار منابع پهلوی و عربی دوره اسلامی، به منابع بومی و باستانی سرزمین آریانا و خراسان (افغانستان) یعنی به متون کهن ویدی، اوستایی و فارسی / دری توجه ویژه شده که در تحقیقات و نوشته‌های سده‌ی اخیر کشور، کمتر به آن‌ها پرداخته شده است.

نویسندگان این کتاب، برخلاف بسیاری از نویسندگان سده‌ی اخیر، غزنی و بانیان فرهنگ و تمدن آن را تنها براساس فرضیات بیگانگان و نظرات خاورشناسان معرفی نکرده‌اند؛ بلکه به

منابع تاریخی معتبر، جغرافیای تاریخی، زبان و ادبیات، دین و مذهب، آداب و رسوم، نام باستانی و کنونی اقوام، چهره و اتنیک مردم، نام‌های باستانی شهرها و کوه‌ها و نهرها، بناهای کهن، پیکره‌های سنگی و غیر سنگی، نگاره‌ها، نگاربرجسته‌ها و سنگ‌نوشته‌های باستانی در حوزه‌ی غزنی یا زابلستان‌زمین نیز توجه کرده‌اند. آنگاه پس از تحلیل و قرار دادن عناوین یادشده در پهلوی هم، و پس از تطبیق آن با شواهد و مصادیق، عینی و بیرونی، نتیجه‌گیری کرده‌اند.

مسئله این تازگی شیوه و منابع تحقیق در بسیاری از این مقالات، می‌تواند باب تبادل نظر و بحث‌های علمی در این موضوعات را باز کند و با این تضارب آرا جنبه‌های گوناگونی از حقایق روشن شود. مؤسسه‌ی انتشارات عرفان از این پدیده استقبال می‌کند و امیدوار است که این اثر، بتواند دیگر پژوهشگران این قلمرو فرهنگی نیز انگیزه‌ی ورود در مباحث را بدهند، تا به سوی زدودن غبار تاریخی، الیان دراز از روی تمدن باشکوه غزنی، گام بردارند.

محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی

مؤسسه انتشارات عرفان

تهران، قلهک، دروس، ۱۳۹۲

www.ketab.ir

پیشگفتار مجمع

گفتار غزنی به عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳» در پنجمین نشست وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۷، در طرابلس، «پایتخت نیبی صویب» شد. انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام فرصتی ایجاد کرده است که به گذشته‌های قدیمی، فرهنگی، علمی و تاریخی خود نگاه ژرف بیندازیم و جای جای این سرزمین باستانی را که مرکز دانش‌اندوزی، عالم‌پروری، تربیت پروران دین و سیاست بوده و همواره نقش سازنده و بینرو در گسترش دیانت، علم، هنر و پیشرفت فرهنگی، همکاری، همدلی و زندگی مسالمت‌آمیز داشته است، به نسل جوان و خسته از جنگ و ستم و نسل‌های آینده معرفی کنیم.

تاریخ کهن، فرهنگ، زبان و تمدن غزنی در تاریخ و تمدن آریانای باستان و شهرهای تمدن‌آفرین بلخ، بامیان، گندهارا، تخارستان، سمرقند و غیره جدا نیست. بنابراین، سعی شده، با محوریت غزنی، منظومه‌ی تاریخ و جغرافیای کهن آریای و خراسان بررسی شود تا زمینه‌ی نگاه کلی به تاریخ کهن و نقش تمدن‌آفرین نیاکان این مردم از گذشته‌های دور جهت تمدن‌آفرینی و حفظ افتخارات تاریخی فراهم شود. غزنی‌شناسی و تمدن‌پژوهی، فایده‌مند است که ملت شریف افغانستان نسبت به داشته‌های قدیمی، فرهنگی و تاریخی خود نگاه ژرف‌تری بیندازند و براساس آن هویت ملی فاخر خود را فهم کنند و بر پایه آن وحدت ملی دیرپا ایجاد کنند. غزنی، نه تنها متعلق به مردم شریف ولایت غزنی، که نماد داشته‌های فرهنگی ملت بزرگ افغانستان و جهان اسلام است.

آریانای باستان دارای دو ایالت بزرگ یعنی زابلستان و کابلستان بوده که غزنی، در گذشته‌ی تاریخی این مرز و بوم، مرکز ایالت زابلستان بوده و زابلستان از پامیر تا پوشنگ و زرنگ را دربر می‌گرفته است. تمدن غزنی، در فرهیختگی و اقتدار آریانای باستان ریشه دارد. غزنی در دوران غزنویان و غوریان، شکوهمندترین تمدن را پایه‌گذاری کرده است. آبادانی این حوزه، شکوهمندی فرهنگی و آفرینش شاهکارها و نخستین‌های زبان پارسی / دری نشانه‌ی روشن آن است. فرازآمدگی تمدن و فرهنگ آفرینی غزنی، در گام نخست به فرهیختگی مردمان این حوزه‌ی تاریخی و در گام بعد به توجه فرهنگ‌محورانه وزیران فرهیخته‌ی غزنوی مانند حسنک

وزیر، احمد حسن میمندی، ابونصر احمد بن عبد الصمد، عبدالرزاق بن احمد بن حسن، حسن بن مهران، ابوبکر صالح، ابونصر مشکان، ابوالنجم ایاز، و... و نیز حاکمان غزنوی دارد.

زمینه‌های آفرینش تمدن غزنی

شکوه‌مندی تمدن غزنی، برخاسته از زمینه‌های فرهیختگی مردمان و توان فرهنگ دیرینه پارسی در این سرزمین است. غزنی از شهرهای اهورایی و آوستایی است که در آوستا به نام «اورولا» یاد شده است. زمینه‌های آماده‌ی فرهنگی، شاهان غزنی را واداشت که به این عنصر تأثیرگذار توجه شایسته بکنند. تمدن و شکوه فرهنگی غزنی، برخاسته از فرهنگ درازنای این مرز و بوم است، اگر شاهان غزنوی به تنهایی از خلق و زمینه‌سازی آن عاجز بودند. شاهان البتکینی، مجذوب و بهر شکوه فرهنگی و فرهیختگی دانشمند مردمی شد که تمدن شرقی اسلامی را به وجود آوردند.

شاهان غزنوی، به عنوان حاکمان این آب و خاک، تأثیر بیشتری در تحولات تمدنی داشته‌اند. ممکن است از نظر آفرینش دینی، گرایش‌های فرهنگی و شیوه‌های تعامل با مردم، دانشمندان، مذاهب مختلف و مشرب‌های فاسدی... کارنامه متفاوتی برجای گذاشته باشند.

شاهان غزنوی، از نظر اندیشه دینی، مذهبی و قومی، کارنامه تلخ تکفیر، کشتار، تخریب و ویرانی برجای گذاشته‌اند. دیدگاه تنگ‌نظرانه در برابر مذاهب اسلامی مانند قرمطی، باطنی، حنبلی، تشیع و... برخورد خشونت‌آمیز و مذبذبانه با آنان، در پی داشته که تکفیر هندیان شیعی ملتان، غور، غرجستان، دیلم، ری و سامانه‌های روشن آن است.

از دیدگاه فرهنگ و هنر، وزیران فرهیخته شاهان، دانشمندان، شاعران و مردم فهیم غزنی، کارنامه‌ی بس درخشان و غیر قابل تکرار داشته‌اند. مهم‌ترین و افتخارآمیزترین دوره‌ی تاریخی غزنی، دوره‌ی مرکزیت غزنی در روزگار غزنویان و غوریان است که غزنویان (وزیران، شاهان، دانشمندان، شاعران و مردم غزنی) کارنامه‌ی بس درخشانی رقم زدند.

مهم‌ترین تحول و رشد فرهنگی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و پارسی در این حوزه تاریخی رخ داده است. مهم‌ترین کتاب‌ها و شاهکارهای شعر و پارسی مانند شاهنامه‌ی فردوسی، دیوان و به ویژه حدیقة الحقیقه سنایی، دیوان‌های عنصری بلخی و سیستانی، عسجدی مروزی، منوچهری دامغانی، مسعود سعد سلمان، و... در غزنی پدید آمده است. شاهکارهای نثر زبان پارسی مانند کلیله و دمنه، کشف‌المحجوب، تاریخ بیهقی، قایوس‌نامه، و... در غزنی خلق شده است. در شکوفایی فرهنگی غزنی، وزیران دانشمند، شاهان باسواد غزنوی، دانشمندان، شاعران، فرهیختگان و هنرمندان نقش برجسته داشته‌اند. در پی، به نقش هرکدام از این زوایای تأثیرگذار در فرهنگ آفرینی پرداخته خواهد شد.

پارادایم ادبی و علمی

به دلیل فرهیختگی مردمان، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، توجه فرهنگ‌محورانه شاهان

غزنوی، حضور دانشمندان، هنرمندان، شاعران، ادیبان و... تحول عظیم فرهنگی در جهان اسلام و در فرهنگ و ادب پارسی/ دری رخ داد. متأسفانه به دلیل آن که پس از آن دوران فاخر، غزنی مرکزیت خود را از دست داد، مناخر غزنی نیز به باد فراموشی سپرده شده است. اگر به حقیقت داوری شود؛ غزنی دارای مکتب‌های علمی، ادبی و هنری است که در تدوین تاریخ علم و ادب و هنر کمترین آن برد خسته شده است. می‌توان بر روی دی غزنی را که به جریان دبی زبان پارسی حیات نو بخشید، تدوین کرد. مهم‌ترین و نخستین کتب‌های زبان پارسی از سلاوه و نفیس، خصوصاً در این حوزه نوشته شده است، مانند زین الاخبار گردیزی، تاریخ سیستان، تاریخ بهشتی...

از دیدگاه سبک‌شناسی در شعر، یکی از سبک‌های فاخر زبان پارسی، سبک خراسانی است. اگر به سبک خراسانی، «سبک غزنوی» هم گفته شود، سخن گزنی نخواهد بود. ما حق آن است که صاحب‌فنون منصف زبان پارسی دری همه‌ی فرورده‌های دبی غزنی را مطالعه کرده و «مکتب‌های غزنی» را تدوین کنند. مهم‌ترین شاهکارهای زبان پارسی در غزنی تولید شده است. در پی، به سبک‌های ایران شاهکارها اشاره خواهد شد.

الف. شاهکارهای شعری

مهم‌ترین دیوان‌های شعر پارسی/ فارسی در حوزه‌ی غزنی پدید آمده است، مانند: شاهنامه‌ی فردوسی، حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی، دیوان و شعرهای عنصری بلخی، فرخی سیستانی، عسجدی، سید حسن غزنوی، عبدالواسع بلخی غرجستانی، سراجی، ابوالفرج رونی، روحانی، ابوحنیفه مروزی، مسعود سعد سلمان، مختاری غزنوی، مسعود بن ابراهیم غزنوی، مسعود سعد رازی، مسرور خراسانی، ناصر بغوی، نصیرالدین ابوالخسین فارسی شیرازی، نکستی لاهوری، الصایغ الهروی، عبدالرافع هروی، و... ۹ این مجموعه ستاره‌ها در شانی است که در اقلیم غزنی درخشیده‌اند.

شاهنامه فردوسی توسی، یکی از شاهکارهای ادب جهان و یکی از شاهکارهای تسخیرناپذیر زبان پارسی است. شاهکار حماسی فردوسی، آئینه تمام‌نمای تاریخ تمدن و فرهنگ ایران‌های باستان و «فره‌یختگی مردمان و حاکمان آن است. شاهنامه‌ی فردوسی جزئیات جغرافیای ایران را ثبت کرده و از اسطوره‌ها و حماسه‌های نیاکان این مردم سخن گفته است. فردوسی با رویکرد حماسی به شعر پارسی، سنت حماسه‌سرایی شعر پارسی را حیات نو بخشید. فردوسی پس از هزاران سال، حیات تاریخی و اسطوره‌ای آریانای باستان را به تصویر کشید. فردوسی الگویی خلق کرد که پس از فرونشستن غبارهای گرایش‌های حاشیه‌مدارانه، اصل حیات تاریخی آمیخته با اسطوره و حماسه را ثبت کرد. اکنون شاعران عصر ما ضرورت دارد که انقلاب حماسی سیاه‌جامگان خراسانی، حمزه آزرک شاری و سایر قیام‌های ملی-اسلامی را در حافظه‌ی تاریخی این تمدن ثبت کنند.

«مسمط»، یکی از قالب‌های زیبای شعر پارسی است که امروز هم می‌تواند قالب مسلط شعر

فارسی باشد. این قالب را منوچهری در سایه‌سار درخت فرهنگ و فرهیختگی حوزه فرهنگی غزنی ابداع کرده است.

یکی از ابتکارهای ادبی در جریان شعر پارسی، ورود عرفان اسلامی در ساحت شعر است. ابوسعید ابوالخیر نخستین کسی است که عرفان را وارد شعر کرده است. این اتفاق فرخنده، در بستر فاخر فرهنگی غزنی رخ داده است. ورود عرفان در شاه‌رگ شعر پارسی، جان تازه‌ای در کالبد شعر و ادبیات پارسی دمید.

سنن غزنوی نخستین کسی است که عرفات و مفاهیم عرفانی را وارد غزل پارسی کرد و جریان تناسل پارسی را حیات دوباره بخشید.

ب. شاهکارهای نثر

در حوزه‌ی نثر نیز شاهکارهای زبان پارسی در غزنی به ثمر رسیده است. کلیله و دمنه یکی از شاهکارهای بی‌بدیل نثر پارسی است که نصرالله منشی از عربی به پارسی برگردانده است. کلیله و دمنه را ابوالمعالی نصرالدین محمد بن الحמיד، ملقب به منشی، به نثر فاخر پارسی / دری درآورد. وی در زمان بهرام‌شاه غزنوی، در غنی‌ترین و نزد این پادشاه منزلت ویژه‌ای داشت. به همین دلیل، کلیله و دمنه را برای بهرام‌شاه غزنوی ترجمه کرد و آن را «کلیله و دمنه بهرام‌شاهی» نام نهاد. نثر فاخر و شیوای منشی، این کتاب را از شاهکارهای نثر پارسی قرار داده است. مرگ ابوالمعالی بین سال‌های ۵۵۵-۵۸۳ ه.ق. رخ داده و ترجمه کتاب کلیله و دمنه نیز باید در میانه سال‌های ۵۳۶-۵۳۹ ه.ق. باشد. برگردان اصل کلیله و دمنه از سانسکریت به پارسی (اوستایی) نیز در خراسان با هنرمندی برزویه طبیب مروزی انجام شد.^۱ «برزویه طبیب مروزی آن را از زبان سانسکریت به پارسی درآورد و ابواب و حکایات چند بر آن افزود»^۲

تاریخ بیهقی، یکی از شاهکارهای بی‌بدیل نثر پارسی / دری است. روش تاریخ‌نگاری بیهقی در خلق «تاریخ بیهقی» جای بحث جداگانه دارد، اما از دیدگاه ادبی، این شاه‌بوس رفیعی در ادبیات پارسی دارد، که بسیاری از متخصصان زبان پارسی، نثر شاهکار و نفیس تکرارنشده‌ی می‌دانند، در صورتی که از وجود کتاب‌های ارجناکی مانند گلستان سعدی سافل‌تر است.

یکی دیگر از شاهکارهای نثر پارسی / دری، کتاب گرانسنگ کشف‌المحجوب هجویری است که هم در ساحت دانش عرفان جایگاه ارجحندی دارد.

قابوس‌نامه عنصرالمعالی کی‌کاووس، نیز یکی دیگر از نثرهای فاخر مکتب ادبی غزنوی است. تاریخ سیستان، یکی از کتاب‌های نخستین پارسی است که در تاریخ‌پژوهی جایگاه ارجناکی دارد. افزون بر جنبه‌ی تاریخی، نثر روان و امروزی دارد.

۱. منسوب به مرو شاه‌جهان مروزی می‌گویند. بخش مهم مرو اکنون داخل افغانستان است.

ج. تاریخ‌نگاری ادبی

یکی از برجستگی‌های بی‌بدیل فرهنگی غزنی، ابداع شیوه و سبک تاریخ‌نگاری ادبی است. به دلیل توجه ویژه غزنویان، وزیران و دانشمندان و مردم غزنی به شعر و ادب، جریان علمی منشور نیز متأثر از آن، در قالب شاهکارهای ادبی رخ داده است. کشف‌المحجوب هجویری غزنوی، قابوس‌نامه، و... در قالب ادبی تدوین شده است. متون تاریخی مانند تاریخ بیهقی، عتبی، بینی، زین‌الاحبار و تاریخ سیستان به ندرت به ادبیات تاریخ بیهقی، پس از آن که از جنبه‌ی تاریخی مورد توجه قرار گیرد. از نگاه ادبی قلب‌ها را تسخیر کرده است. کتاب‌های تاریخ‌نگارانه به زبان عربی هم نگاشته شده، جنبه ادبی ارزشمندی دارد. یکی از شاخصه‌های تاریخ بیهقی، وقایع‌نگاری است که از عصر غزنوی به خوبی رویت کرده است.

غزنی نه تنها در دوران سعادان غزنوی که در همیشه تاریخ خاستگاه فرهیختگان فرزانه بوده است، یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار فرهنگی که بسیاری از دانشمندان و «بیهقی‌نانی» و «مدر تاریخ نویسنده» نامیده می‌شود، «ملا فیض محمد کاتب هزاره» است. این مرد بزرگ و هنرمند چیره‌دست، در اوج دینی‌انگیزی همان‌خان با مردم هزاره، نیازمند هنر بی‌بدیل کاتب بود. با همه تلاش رقیبان سرسختی چون محمد طرزی و... هنر کاتب تسخیرناپذیر بود. یکی دیگر از ستارگان درخشان دانش «علامه مدرس افغانستان» است که در ادبیات عرب، دانش فقه، اصول و... ید طولایی داشت. هنر مدرس، در تخصص و روحانیات ادبیات عرب بود که کتاب‌های گرانسنگ او از منبع دوره دکتری زبان و ادبیات عرب در دانشگاه‌های کشورهای عربی مانند مصر و... است. پس از سیبویه، علامه مدرس افغانستان در ادبیات عرب مقام ارجمندی دارد.

جریان غزنی بستر تمدن شرق اسلامی

علما و طلاب جاغوری به عنوان بخشی از جامعه روحانیت افغان‌ستان در راستای اصول و وظایف دینی و ملی خویش یک نهاد علمی و فرهنگی را با ساختار منسجم و منضبط تحت عنوان «مجمع فرهنگی علما و طلاب جاغوری» در سال ۱۳۸۴ تأسیس و پایه‌گذاری نمودند. و در سال ۱۳۹۰ در وزارت عدلیه افغانستان ثبت و راجستر گردید. مهم‌ترین اهداف این تشکل تبلیغ علمی و سیستماتیک معارف اسلامی، یاسخ‌گویی به شبهات فکری و دینی حضور در مراکز علمی و فرهنگی، تنویر و تجهیز افکار عمومی حفظ و ارتقای فرهنگ دینی و اجتماعی، تحلیل از مناسبت‌های ملی و مذهبی از طریق تدویر سمینارها و گردهمایی‌هاست که در تمام موارد می‌کوشد با حفظ احترام به احکام و قوانین نافذ کشور انجام گیرد. مجمع علما و طلاب تاکنون چندین نشست و همایش علمی و فرهنگی، ده‌ها مقاله و چندین کتاب با موضوعات مختلف و مورد نیاز روز ارائه داده است. این مجمع، به عنوان یکی از تشکلهای علمی و فرهنگی ولایت غزنی، با احساس مسئولیت ملی و دینی، تشخیص داد که در کنار دیگر فعالیت‌های تبلیغی،

فرهنگی و همایش‌ها و نشست‌های علمی خویش، «طرح ملی غزنی‌شناسی» را تدوین کرده و جهت اجرای آن از همه فرهیختگان یاری خواسته و برای تأثیرگذاری بیشتر، طرح برگزاری همایش علمی و ملی را تحت عنوان «همایش ملی غزنی‌شناسی» را نیز پیش‌بینی کردند.

جهت دستیابی به اهداف فوق، «ستاد غزنی- بستر تمدن شرق اسلامی» مرکب از واحد علمی-پژوهشی مجمع، به عنوان بخش اجرایی و هیأت علمی، تشکیل، که مسئولیت انجام این پروژه عظیم ملی را به عهده گرفتند. در این راستا سعی شد که با همه‌ی کمبودها، از کلیه‌ی ظرفیت‌ها و توانایی‌های پژوهشگران و نویسندگان بهره گرفته شود. در شرایط حساس کنونی و فرصت‌ها به وجود آمده، نسل کنونی جویای هویت و جوانان را نسبت به فرهنگ و تمدن و هویت تاریخی‌شان حساس نمایند، تا برای دستیابی به یک الگوی موفقیت‌آفرین علمی و فرهنگی در سطح اسلامی و ملی تلاش کنند. تا سیر رشد فرهنگی و بازآفرینی تمدن‌های کهن با معیارهای نوین اشتغال‌ور غنای بیشتر بخشند؛ تا شاید مردم افغانستان و به ویژه مردم فرهنگ‌دوست دیپلماتیک، با همکاری و هم‌اندیشه و رفتار، افغانستان، از وضعیت بحرانی موجود همه‌جانبه دست یابند. اینچنین، با توجه به اهمیت و اهمیت، آبادانی و پیشرفت نجات یافته و به کشور آرام آباد، مردمان مهربان‌تر از گذشته و صمیمی‌تر از پیش، آگاه و دین‌مدار تبدیل گردد.

در راستای جهت‌دهی پژوهش‌ها و اندیشه‌پژوهشی، برگزاری همایش ملی غزنی‌شناسی و چند پیش‌نشست علمی نیز طراحی شد که در سال ۲۰۱۲ برگزار شود.

۱. نخستین «پیش‌نشست غزنی‌شناسی» (۱۳۸۹) در شهر قم، با حضور فرهیختگان، نویسندگان، محققین و علما برگزار گردید.

۲. دومین پیش‌نشست غزنی‌شناسی، تابستانه ۱۳۹۰، در مکر ولسوالی جاغوری با حضور مسئولان دولتی، شخصیت‌های علمی، معلمان و فرهنگیان و اقشار مختلف مردم و با همکاری نهادهای فرهنگی جاغوری برگزار شد.

۳. «همایش ملی غزنی‌شناسی» در تابستان سال ۱۳۹۱، با تلاش و همکاری ستاد برگزاری، در کابل، سالن همایش‌های بین‌المللی وزارت فرهنگ و اطلاعات، با حضور گسترده شخصیت‌های علمی، سیاسی و فرهنگی برگزار شد که بازتاب وسیعی در رسانه‌های تصویری، صوتی و نوشتاری کشور داشت. اخبار همایش در صدر قرار گرفت و تیر نخست بسیاری از نشریات شد.

۴. نشست خبری: دبیر مجمع، عزیزالله محمدی و آقای محمد عَلم عالمی در برنامه «گزارش خبری» تلویزیون نگاه، حضور یافتند و در مورد مراحل اجرایی همایش صحبت کردند.

۵. میزگرد علمی، نیز با حضور آقایان دکتر عبدالمجید ناصری، شوکت‌علی محمدی، عضو هیأت علمی غزنی‌شناسی و عبدالعلی کاظمی عضو ستاد اجرایی در تلویزیون نگاه برگزار شد.

۶. همایش ملی غزنی‌شناسی، در تالار ولایت غزنی، در زمستان ۱۳۹۱ ش. همزمان با آغاز سال ۲۰۱۳ م. برگزار شد. این همایش با همکاری جدی والی محترم و نهادهای فرهنگی غزنی به انجام رسید.

۷. شرکت در همایش و نمایشگاه سازمان فرهنگی «اگو» که به مناسبت آغاز سال ۲۰۱۳ و تجلیل از «سایتختی غزنی» در تهران برگزار شد، فزون بر نایش بیس از سبقت عنوان مقاله‌ی پژوهشی، کتاب‌ها و سی‌دی‌های بیس‌نست‌ها و همایش‌های غزنی‌سناسی؛ کتابی به نام غزنی یا بیتخت فرهنگی جهت اسلام: بستر تمدن و شاهکارهای زبان دری تهیه و منتشر شد. در جریان اجرای طرح ملی غزنی، مرکز تمدن شرق اسلامی، تدبیریه‌ی یادآوری است که به منظور رعایت امانت‌داری علمی و فراوانی زمینه‌ی تعامل اندیشه‌ها و تضارب آرا، تلاش شده در محتوای علمی نوشته‌ها تصرف نشود. از این رو، در نگارش و گردآوری محتوا و نوشته‌ها بیان‌گر دیدگاه نویسندگان محترم آن‌هاست. مجمع فرهنگی علم و ادب غزنی، در قبال آن مسنونیتی نداشته و دوری پیرامون دیدگاه‌ها به عهده‌ی خوانندگان عزیز محترم است. وجود دیدگاه‌های متفاوت در مطالعه‌ی گسترده‌ی یک تمدن و پهنه‌ی تاریخ کهن یک ملت، طبیعی است. از سوی دیگر، هر پدیده یا رخداد‌های فرهنگی، تاریخی و... ممکن است از زاویه‌های گوناگون نگریسته و مطالعه شود. همان‌گونه که هر انسان از ابعاد مختلف اجتماعی، فردی، روحی-روانی، رفتاری و... قابل بررسی است، مطالعه یک تاریخ نیز ابعاد مختلف خواهد داشت.

مناسب است از همه پژوهشگرانی که با ارسال مقالات ارزشمند خود در پدیدآوری این منبع علمی، نقش مؤثر ایفا نمودند؛ صمیمانه تشکر کنیم. با تلاش و پی‌گیری ستاد برگزاری همایش، خوش‌بختانه آثار قابل توجهی به دبیرخانه همایش رسید که چهار جلد مجموعه مقالات با عنوان غزنی، بستر تمدن شرق اسلامی تدوین شده است.

جلد نخست، به غزنی باستان اختصاص دارد که با نوشته‌های علمی غزنی در منظومه‌های تاریخ آریانا، جغرافیای فرهنگی، انسانی و تاریخی غزنی باستان و سوانح نام‌راکز و جغرافیای تاریخ ایران باستان نوشته‌ی آقایان محمدفاضل کیانی، شوکت علی محمدی و محمدعلی افتخاری آریان‌پور ترتیب یافته است.

جلد دوم، این مجموعه، به غزنی، دوری غزنویان و غوریان اختصاص دارد. این جلد، با نوشته‌های پژوهشگران ارجمند آقایان دکتر مصطفی خرمی، دکتر عبدالحکیم محمدی (کاظمی) و دکتر علی نقی میرحسینی پدید آمده است.

جلد سوم، به بررسی فرهنگ و ادب غزنی اختصاص یافته که نوشته‌های ارزشمندی را در خود جای داده است. تدوین و ویراستاری آن به عهده آقایان قنبرعلی تابش و احمدی رشاد بوده است.

جلد چهارم، این مجموعه، به بررسی وضعیت سیاسی-اجتماعی غزنی، عصر غزنویان، غوریان

و دوره معاصر اختصاص دارد. تدوین و ویراستاری این جلد به عهده‌ی آقای شوکت علی محمدی شاری بوده است.

هیأت علمی

هیأت علمی طرح ملی غزنی، بستر تمدن شرق اسلامی، پژوهشگران ارجمند آقایان: محمد فاضل گیانی، احمد علی علی‌زاده، قنبر علی تابش، شوکت علی محمدی شاری، عبدالحق برهانی، دکتر مصطفی خرمی، دکتر عبدالحکیم محمدی (کاظمی)، علی جمعه مظفری احمدی رشاد، عزیزالله محمدی، محمد علی شری محسنی، محمد داوود عالمی و عزیزالله یزدانی بوده‌اند که با تلاش شبانه‌روزی علمی این فایزندگان ارجمند، این کار عظیم سامان یافته و سرانجام فرازمندی داشته است. شایسته است از سعی تلاش هیأت علمی سپاس‌گزاری کنیم.

از همه فرهنگیان که در راستای طرح عظیم غزنی‌شناسی، پیش‌نهی‌ها و همایش‌های غزنی‌شناسی یاری کرده‌اند به ویژه استاد محمدریم خلیل معاون دوم رئیس محترم جمهوری اسلامی افغانستان؛ وزیر اطلاعات و فرهنگ جناب داکتر مخدوم رهین، داکتر محمد داوود نجفی وزیر ترانسپورت و هوانوردی، استاد محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ جناب مبارز راشدی، موسی اکبرزاده والی ولایت غزنی، آقای احمدی معاون محترم والی غزنی، نمایندگان ولایت غزنی در شورای ملی و شورای ولایتی و رئیس دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی حجت الاسلام حاج آقای شهرستانی و حضرت آیت‌الله محسنی رئیس علمای شیعه افغانستان و حجت الاسلام‌های رضایی رئیس مؤسسه آموزش عالی خواجه عبدالله انصاری و... صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

از آقای محمد ابراهیم شریعتی مدیر مؤسسه انتشارات غزنی و همکاران گرامی ایشمان به ویژه جناب آقای امید سید کاظمی و سرکار خانم ذاکر بختیاری جیت چاپ و نشر مجموعه کتاب‌های غزنی «بستر تمدن شرق اسلامی» صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنیم.

از جناب حجت الاسلام آقای شریعتی رئیس شورای نظارت دوره بیس جمع و اعضای واحد علمی-پژوهشی، دوره‌ی گذشته و کنونی، جهت پی‌گیری و تلاش برای انجام این پروژه عظیم ملی، قدردانی می‌شود. از جناب آقای عبدالعلی کاظمی که به غزنی‌شناسی از جمع، زمینه‌سازی همایش ملی غزنی‌شناسی را در کابل و غزنی به عهده داشته نیز قدردانی می‌کنیم.

عزیزالله محمدی

دبیر مجمع فرهنگی علما و طلاب جاغوری

زمستان ۱۳۹۱ خورشیدی

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	پیشگفتار
۲۵	مقدمه نویسنده

بخش نخست

سیمار غزنی در منظومه‌های تاریخ آریانا [۲۹]

۳۱	پیشگفتار
۳۹	فصل یکم: نام‌های تاریخی افغانستان
۴۰	جغرافیای آریانا
۴۷	طرح فرضیه‌ی نژادی آریا توسط استعمار
۵۵	آریان ویدی و اوستایی
۷۱	ایران اوستایی و شهرهای اهورایی
۷۲	ایرانا و نیجه نخستین شهر اهورایی و ویژگی‌های آن
۸۳	جغرافیای ایران در شاهنامه
۹۰	نپذیرفتن گشتاسپ باژ ارجاسپ را
۹۳	فصل دوم: سرآغاز تاریخ غزنی
۹۳	ریگ‌بید و اوستا سرآغاز تاریخ غزنی
۹۶	هیرمند در ریگ‌بید و اوستا
۱۰۰	غزنی و شهرهای زابلستان در اوستا
۱۰۲	هرخوتی یا هیرمند شمالی
۱۰۵	هتومنن یا هیرمند جنوبی
۱۰۶	چختر یا غرجستان
۱۰۸	ورنه یا بامیان

بخش دوم

جغرافیای فرهنگی، انسانی و تاریخی غزنی باستان [۳۹۹]

۴۰۱	فصل هشتم: جغرافیای فرهنگی غزنی باستان
۴۰۱	تعریف فرهنگ
۴۰۳	فرهنگی مردم غزنی
۴۰۵	آداب و رسوم ملی و کهن مردم غزنی
۴۰۵	وجود درخت‌های مقدس (مزار)
۴۰۶	بد دانستن ب بد
۴۰۷	نذر خوب و کور
۴۰۹	اسپ‌نام‌ها
۴۰۹	گاوانام‌ها
۴۱۲	شترنام‌ها
۴۱۲	رازن یا زروان
۴۱۴	آیین‌های نوروز باستانی
۴۱۵	منشأ تاریخی نوروز
۴۱۶	جایگاه نوروز در اندیشه‌ی اسلامی
۴۱۶	بلند کردن پرچم مولا علی (ع)
۴۱۷	ریشه‌ی تاریخی پرچم مولا
۴۱۷	شکل ظاهری پرچم مولا
۴۱۹	آجگگ
۴۱۹	چهارشنبه‌سوری
۴۲۰	پیرک-کمپیرک
۴۲۱	عید زنده‌ها و مرده‌ها
۴۲۲	جایگاه زن در میان مردم غزنی
۴۲۲	روشن کردن آتش بر مزار مردگان
۴۲۳	رسم زیارت دیگدان
۴۲۳	سرديگدانی گذاشتن
۴۲۴	دخترطلبی یا خاکستر جارو کردن
۴۳۴	نذر سر کیله و خوش‌بوی انداختن
۴۲۵	پريدن از روی آتش
۴۲۵	دیگ شریکی
۴۱۸	دیگدان‌گذاری
۴۱۸	تعبیر پشت آتش آمدن
۴۱۸	روی خاکستر راه نرفتن

۴۲۵	خاموش نکردن آتش با آب
۴۲۵	سرگردان نکردن آتش
۴۲۶	روشن کردن آتش سر راه عروس
۴۲۶	روشن کردن پلته
۴۲۶	داد و ستد جنس به جنس
۴۲۷	جشن گو و گتیل
۴۲۹	پیش گویی با دیدن دلتو
۴۲۹	پاشویی عروس
۴۳۰	پر کردن آتش عروس با گندوم
۴۳۰	کنیه
۴۳۲	نپاکی نشاندن (حایض)
۴۳۳	چهل گرفتن
۴۳۴	چهل بوری
۴۳۵	نامزدی در کودکی
۴۳۶	ناپاکی ناخن و موی سر
۴۳۶	سال نگه داشتن برای مردگان
۴۳۷	ناسو و ناصافی
۴۳۸	وحشت از گورستان
۴۳۹	ارزش مندی گندوم
۴۳۹	گل خو (گلخن)
۴۳۹	خوش یمن بودن شاهین زرین سبرال
۴۴۰	باشه
۴۴۱	جایگاه ارجمند خرو خروس
۴۴۲	جایگاه گاو مرده گاو
۴۴۳	پاک کنندگی گمیز گاو
۴۴۳	ناپاکی پوف دهان
۴۴۴	بستن کمر
۴۴۵	خوش خبری زاغچی
۴۴۵	پال خیر و شر
۴۴۷	فصل نهم: جغرافیای زبانی و لهجه‌ای مردم غزنی
۴۴۷	مفهوم‌شناسی
۴۵۰	لهجه‌ی مردم غزنی
۴۵۱	ترجمه‌ناپذیری نام‌ها
۴۵۲	پارسی / دری بودن لهجه مردم غزنی
۴۵۲	دیدگاه مورخان و زبان‌شناسان

۴۵۳	همخوانی لهجه‌ی غزنی و زبان اوستا
۴۵۴	ترجمه‌ی اوستا در غرب کویر
۴۵۹	یکسانی واجی لهجه غزنی و زبان اوستایی
۴۶۳	کتیبه‌ی دشت ناوور
۴۶۳	عقدنامه‌ی بامیان
۴۶۴	طبقات ناصری
۴۶۴	اشعار دوره‌ی غوریان
۴۶۵	واژه‌های اوستایی در لهجه‌ی مردم غزنی
۴۷۷	فصل دهم: جغرافیای انسانی غزنی باستان
۴۷۹	چهره مردم غزنی باستان
۴۷۹	چهره مردم سیستان تاریخی
۴۸۱	چهره جمشید، بانی تمدن باستان
۴۸۱	جغرافیای انسانی باستان
۴۸۳	چهره مردمان بومی به روایت تاریخی
۴۸۳	چهره بومی به روایت هیوان تاریخی
۴۸۵	چهره خراسانی
۴۸۷	دَی یا دای؟
۴۸۸	داه‌ها چه کسانی بودند؟
۴۹۰	داه‌های تورانی سگسار و گرگسار
۴۹۲	شار
۴۹۴	غرج شار
۴۹۴	شار
۴۹۴	شارستان
۴۹۶	شارستان یا شهرستان؟
۴۹۷	شار زیده
۴۹۸	کوه شار
۴۹۸	گرد شار
۴۹۸	دره شار
۴۹۹	حضور چهره هندی‌تباران از دوره غزنویان
۵۰۱	فصل یازدهم: جغرافیای تاریخی سرزمین غزنی باستان
۵۰۲	اهمیت و ضرورت جغرافیای پژوهی
۵۰۳	مفهوم‌شناسی غزنی
۵۰۴	اوروه، نام تاریخی غزنی
۵۰۵	قلمرو غزنی
۵۰۶	جغرافیای انسانی غزنی

۵۰۸	شرایط اقلیمی غزنی
۵۰۹	ورود اسلام به غزنی
۵۱۰	جغرافیای تاریخی زابلستان
۵۱۰	مفهوم‌شناسی زاولستان
۵۱۱	زاولستان عام و خاص
۵۱۱	زبستان بزرگ
۵۱۲	زبستان خاص
۵۱۴	دست بست شدن زبستان مین کشور کشیدن
۵۱۶	جغرافیای تاریخی سیستان
۵۱۶	مفهوم‌شناسی سیستان
۵۱۹	جغرافیای سیستان
۵۱۹	سیستان پس از اسلام
۵۲۱	رودهای سیستان
۵۲۳	کرمان سیستان
۵۲۳	جغرافیای انسانی سیستان
۵۲۵	نام‌های سیستان
۵۳۰	شگفتی‌های سیستان
۵۳۰	جغرافیای تاریخی زمین‌داور
۵۳۲	آبادانی و اهمیت زمین‌داور
۵۳۳	موقعیت سرزمینی زمین‌داور
۵۳۹	جغرافیای تاریخی کاسه‌رود: دشت ناوور
۵۴۱	پیشینه‌ی هویتی دشت ناوور
۵۴۴	میخ طویله و آخور اسپ رستم
۵۴۵	توصیف فردوسی از کاسه‌رود
۵۴۵	فرجام سخن
۵۴۵	جغرافیای تاریخی کلات؛ شهر فرود
۵۴۶	سپیدکوه
۵۴۸	داستان فرود پسر سیاوش
۵۵۲	جغرافیای تاریخی هژیرستان (دایه)
۵۵۳	معنای هژیر
۵۵۵	جغرافیای تاریخی غرجستان
۵۵۶	حدود گرشستان
۵۵۶	گرشستان بزرگ
۵۵۷	گرشستان خاص
۵۵۸	پادشاه گرشستان

۵۵۸	معنای غرجستان
۵۶۲	ریشه‌یابی
۵۶۳	ناوه‌گری
۵۶۴	جایگاه جهانی شارهای گرستان
۵۶۴	ویژگی‌های اخلاقی مردم و حاکمان غرجستان
۵۶۴	صنایع و محصول غرجستان
۵۶۵	جغرافیای تاریخی پشین غرجستان
۵۶۵	پشین در متون تاریخی
۵۶۶	موقعیت جغرافیایی پشین
۵۶۷	پیوست تاریخی پشین
۵۶۸	جغرافیای تاریخی غم
۵۶۹	موقعیت جغرافیایی غور
۵۷۰	جغرافیای انسانی
۵۷۱	غور، سرچشمه رودها و منابع آب کشور
۵۷۲	پیشینه‌ی تاریخی غور
۵۷۳	ورود اسلام به غور
۵۷۵	تکفیر غوریان
۵۷۶	مقاومت غوریان
۵۷۶	لعن نکردن به امام علی (ع)
۵۷۹	جغرافیای تاریخی نی‌قلعه‌ی زابلستان
۵۸۱	مسعود سعد سلمان
۵۸۲	زندان مرنج
۵۸۲	زندان دهک
۵۸۳	جغرافیای تاریخی نای لاما زابلستان؛ جاغوری
۵۸۳	واژه‌شناسی جاغوری
۵۸۵	دای میرگشه؛ نام قومی
۵۸۵	جغرافیای قومی-تاریخی
۵۸۶	دسته‌بندی قوم جاغوری خاص
۵۸۷	پیشینه‌ی تاریخی جاغوری
۵۸۹	سرچشمه خردروی یا ارگنداب
۵۸۹	شار زیده و کوه شار
۵۹۱	اودقل جاغوری
۵۹۴	جغرافیای تاریخی پشین غزنی
۵۹۴	معرفی مختصری از پشین کنونی
۵۹۵	پشین در متون تاریخی

۵۹۶	پیوست تاریخی پشین
۵۹۶	پشین یا پیشانیسه
۵۹۹	سرچمه‌ها

بخش سوم

جغرافیا و مراکز تاریخی ایران باستان [۶۰۵]

۶۰۷	فصل دوازدهم: جغرافیای ایران و نتیجه
۶۱۶	موضوعات
۶۱۹	شهرهای تاریخی ایران و نتیجه
۶۲۱	سرزمین اختر
۶۲۲	نام شهرهای ایران باستان
۶۲۳	تقدیم‌بندیش
۶۲۵	خمیره سرزمین جمشید
۶۲۸	فصل سیزدهم: کوه‌های ایران و نتیجه
۶۳۱	زابلستان یا جبال پارس
۶۳۴	رودهای ایران و نتیجه
۶۳۶	بررسی متن بندیش
۶۴۱	زنده‌رود و پنجستان در قسمت علیای جیحون
۶۴۵	فصل چهاردهم: دریاچه‌های ایران و نتیجه در بندیش
۶۴۸	بررسی متن بندیش
۶۴۹	سروری مردمان و... در بندیش
۶۵۵	پل چینود [صراط] در عقاید مهربان
۶۵۹	سی مرغ و قَر در اوستا
۶۶۳	فصل پانزدهم: مَرو و هرات دو شهر مرزی در غرب ایران باستان
۶۶۷	سیستان
۶۶۹	کوه خشتوته: مرز ایران و نتیجه با ترکستان
۶۷۰	کوه هرایردنی‌بی بلخ
۶۷۲	فصل شانزدهم: بررسی هم‌نژادی آریان‌ها با اهالی مدیک
۶۸۳	سَکّه و خاستگاه آغازین آن‌ها و مهاجرت از جنوب رومیه
۷۰۰	نام توران و اورال و التایی یا هندواروپایی در تاریخ
۷۰۳	واژه‌شناسی مُغ
۷۱۰	آراخوزیا و گدزوزیا
۷۲۵	هزاره‌جات یا زابلستان مرکز ایران و نتیجه
۷۳۹	منابع

www.ketab.ir

مقدمه نویسندگان

شهر ما حضرت غزنی بخوان محترم داشته گل را باران
سازد باغی ز بهار زابل زان همه نقش و نگار زابل^۱

انتخاب غزنی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، نماد فر فرهنگ و فرزاندگی مردمان این سرزمین است. غزنی به دلیل از درخشانترین روزگاران تاریخ و فرهنگ کشور ما است. اگر غزنی به عنوان مرکز فرهنگی جهان اسلام انتخاب شده است؛ اگر غزنی روزگاری شکوه و جلال جهانی داشته است؛ و اگر غزنی به عنوان مصدر تولید علم و فرهنگ و هنر در یک منطقه درخشان تاریخی در سرزمین ما و در جهان اسلام بوده است؛ این نهال یربار و این درخت کهن، ریشه در تاریخ، فرهنگ و تلاش‌های مردمی که بزرگ‌مردان این سرزمین داشته است. این کتاب از «جغرافیای تاریخی، زبانی، انسانی و فرهنگی مزی باستان» بحث می‌کند. امیدواریم این بحث، دریچه‌ی تازه‌ای بر روی فرهیختگان، نویسندگان، جوانان جویای هویت واقعی سرزمین ما و پنجره‌ی نوینی بر دیدگان ملت ما بگشاید و با یک روزنه واحد، به جهان فرهنگی غزنی بنگریم.

غزنی می‌تواند نمادی از تاریخ و فرهنگ سرزمین کهن آریانای ما باشد. با این بحث می‌توانیم به مؤلفه‌های هویت ملی‌مان نگاه دوباره‌ای داشته باشیم؛ تا بتوانیم با لمس آن وحدت ملی دیرپا، براساس عدالت اجتماعی و فرهنگ‌محور را؛ شکوه آریانای باستان را؛ شکوه تمدن بلخ باستان را؛ شکوه عروس البلاد غزنی را دوباره زنده کنیم. لازمه‌ی این کار، آن است که ما نخست یک خانه‌تکانی ذهنی انجام دهیم.

تاریخ کهن، فرهنگ، زبان و تمدن غزنی، از تاریخ و تمدن آریانای باستان و شهرهای تمدن‌آفرین

۱. پایتخت و حاکمیت مرکزی را حضرت می‌گفته‌اند، چنان‌که مسعود سعد گفته: چو کردم از هند آهنگ

حضرت غزنی / بر آن محفل تازی نژاد بستم زین (لغتنامه دهخدا، مدخل غزنین).

۲. شعر از قنبرعلی تابش، از کتاب دل خونین انار.

بلخ، بامیان، گندهارا، تخارستان، سیستان، زابلستان، هرات و... جدا نیست. بنابراین در این کتاب سعی شده، با محوریت غزنی، چهره غزنی در منظومه‌ی تاریخ و جغرافیای کهن آریانا بررسی شود تا زمینه نگاه کلی به تاریخ کهن و نقش تمدن‌آفرین نیاکان این مردم و ذهنیتی جهت تمدن‌آفرینی و حفظ افتخارات تاریخی فراهم شود.

غزنی در دوران غزنویان و غوریان، شکوهمندترین تمدن را پایه‌گذاری کرده است. آبادانی این حوزه، شکوهندی فرهنگی و آفرینش شاهکارها و نخستین‌های زبان پارسی را به ارمغان آورده است. کسانی که آشنایی اندکی با تاریخ فرهنگ و ادبیات داشته باشند، به خوبی شکوه فرهنگ ریغ، مردم غزنی را درمی‌یابند. همان‌گونه که گفته شد، غزنی از سایر شهرهای بلخ، بامیان، هرات، بدخشان، گندهارا و... جدا نیست، غزنی پایتخت بوده و نماد همه دارایی‌ها، ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ تمدن، تمام قلمرو آن است. این گستره‌ی فاخر تمدنی و فرهنگی، نماد فرزاندگی مردم فرهیخته آن است. زمینه پرورش انسان‌های تمدن‌آفرین و فرهنگ‌ساز را فراهم آورده است. حاکمیت غزنوی بر سرزمین را بر سرمد آورده که به نفع مردم، فرهنگ اسلامی، ملی و زبان پارسی/دری تمام شده است.

ضرورت دارد، یادآوری شود که در این کتاب، دیدگاه بدیعی طرح شده و مبنای اصلی این نوشتار، تکیه بر منابع بومی و کهن است که در تحقیقات و نوشته‌های سده‌های اخیر کشور، کمتر به آن‌ها توجه شده است. در کتاب‌های سده‌های اخیر، بیشتر به کتاب‌های جهان‌گردان خارجی، نظامیان و شرق‌شناسان اروپایی تکیه شده که بیشتر اطلاعات آنان ناکافی، ناصواب و غرض‌آلود است. در این نوشتار، به منابع بومی باستان آریانا، خراسان و نویسندگان دوره‌ی اسلامی توجه شده و با تحلیل داده‌های تاریخی و شواهدی نوینی نتیجه گرفته شده است. این نوشتار نتیجه‌ی مطالعه و پژوهش سالیان دراز نویسندگان آن است. رونویسی از منابع دم‌دست نیست که هر قلم به دست نو کاری انجام می‌دهد. خوانندگان فرهیخته اگر در این کتاب، با دیدگاه تازه‌ای مواجه می‌شوند، با صبوری و تأمل بیشتری به آن بپردازند. و در گام نخست نوشته را به طور کامل بخوانند و در گام بعد، خود، با مراجعه به منابع دست‌اول، روی منابع بومی و زبان اصلی، نسبت به درستی و یا نادرستی آن داوری کنند. آنچه تاکنون در کتاب‌های سده‌های اخیر دیده و خوانده‌اند را حقیقت مسلم ندانند و فرایند درازنای تاریخ را دیده تردید و وسواس بررسی کنند. بسیاری از منابع دوره‌ی اسلامی در دستگاه‌های حکومتی نوشته شده که ادبیات و تفکر ویژه‌ای بر آن حاکم بوده است. شناخت شرایط نگارش منابع کهن، گرایش نویسنده، گستره‌ی شناخت و اطلاعات نویسندگان منابع و... در فهم حقیقت تاریخ تأثیر مهمی دارد. بسیاری از کتاب‌های تاریخی که به زبان عربی بوده، در جریان ترجمه، حاشیه و شرح‌نویسی به دلخواه برخی، ماهرانه دیگرگون شده است. کتاب‌های بومی نیز برخی با عنوان تصحیح، تعلیقه و توضیح، آگاهانه یا ناشیانه - دست‌بردهایی زده که حقایق تاریخی را دچار

اغتشاش و تردید کرده است. این کتاب، به برخی از این حقایق وارونه شده دست یافته و از دانشمندان و جوانان فرهیخته ی قلم به دست جامعه انتظار دارد، با نگاه ژرف و شگاکانه به منابع نگریسته و نهضت برگشت به منابع اصلی و کهن را پایه ریزی کنند! با همت ثدن آفرین و فرهنگی فاخر، منابع کهن، خطی، زبان اصلی، مجسمه ها، ظرف ها و... را با دقت بررسی کنند و برای کشف هویت حیل و تریخی خود، مسافر کتب خانه ها و موزه های دنیا شوند و تکه های هویت تاریخی خود را که مانند بازی ب دست بسته برانکده شده را جمع آوری و به هم متصل کنند! هویت فاخر یک پارچه از دل آن نمایان نمود.

کشت هویت تاریخی، ناگزیر باید به همه مؤلفه های هویتی مانند جغرافیا، تاریخ، زبان و ادبیات، مذهب، آداب و رسوم، چهره و تنبیک، آدابستانی و دیرینه مانند پیکره ها، ظرف ها، بناها و... یک جا به یک جا، تا هویت یک پارچه، از تکه های بازی هویت نمایان شود، تنب تکیه بر گفتارین و... به سرق سنان، گمراه کننده و ناکافی است. برای دستیابی به حقیقت تاریخی، باید جوانان دانشمند اهت کنند تا کتاب های هیوان تسنگ، هوی ته چه نو، کنت کورس یونانی را از زبان اصلی و جمع کنند. ضرورت حیاتی دارد که دانشمندان جوان جامعه زبان و خط اوستایی را یاد بگیرند و از منابع اصلی استفاده کنند که گنج عظیمی که در زبان و فرهنگ مردم بومی غزنی پنهان است، جز با شناخت و آشنایی زبانی اوستایی گشوده نخواهد شد.

بخش باستان طرح ملی غزنی شاسی به عرصه ها واگذار شده بود، که به لطف خداوند در سه بخش جداگانه تنظیم شده است. به دلیل گستردگی تاریخی، فرهنگی، انسانی و زبانی دوره باستان و دوره آغازین اسلامی برخی از مسائل بسد های نخستین اسلامی نیز بحث شده که دلیل آن پیوست طبیعی مسائل بوده است. بخش نخست با عنوان «سیمای غزنی در منظومه های تاریخ آریانا» نوشته آقای محمدفاضل گیانی است که به غزنی و باستان تمرکز دارد و با جزییات بیشتر پرداخته است. بخش دوم، با عنوان «جغرافیای فرهنگ آریانا، انسانی و تاریخی غزنی» نوشته آقای شوکت علی محمدی شاری است که بیشتر به تاریخ و جغرافیای آریانا باستان پرداخته، تا سیمای فاخر غزنی در پرتوی منظومه ی تاریخ آریانا روشن تر به بخش سوم، با عنوان «مراکز و جغرافیای تاریخی ایران باستان» نوشته آقای محمدعلی افتخاری (اریان پور) است که نگاه ژرف به جغرافیای سرزمینی و تاریخی ایران باستان دارد. ترتیب بخش ها بیشتر براساس ارتباط نزدیک آن با غزنی بوده است.

محمدعلی افتخاری آریان پور

محمد فاضل گیانی

شوکت علی محمدی شاری

زمستان ۱۳۹۱ ش